

## چرا امام حسین (علیه السلام) باینکه می‌دانستند به شهادت می‌رسند، خانواده خود را به همراه برزند؟

### پاسخ:

نهضت امام حسین (ع) دو چهره داشت و بر اساس هر یک از آنها، یک تقسیم کار صورت گرفت: یکی فداکاری و جانبازی و «شهادت» و دیگری «ابلاغ پیام». البته ابلاغ پیام جز با فداکاری‌ها و زحمات طاقت‌فرسا ممکن نبود. جایگاه و نقش اصلی زنان در عمل به وظیفه دوم، تبلور یافت. گرچه زنان در تربیت رزمندگان، تهییج آنان و سایر اقدامات پشتیبانی نقش ایفاء کردند اما وظیفه اصلی آنان، «پیام‌رسانی» بود.

برای بحث راجع به نقش زنان در تبلیغ نهضت حسینی و اسلام، ابتدا دو مقدمه را باید بیان کرد. یکی اینکه طبق روایات، تمام کارهای سیدالشهدا (ع) روی حساب بوده است و علت اینکه به رغم آگاهی از خطرات سفر، اهل بیت را همراه خود به سوی کوفه برد، این بود که به واسطه الهامی که از عالم معنا به اباعبدالله (ع) شد و پیامبر (ص) در عالم رؤیا به ایشان فرمود: «ان الله شاء ان يراهن سبايا» (۱) حضرت فهمید که اسارت اینها مورد رضای حق است یعنی، حضرت مصلحت تشخیص داد که اهل بیت خود را همراه ببرد. در حقیقت امام (ع) با این کار، مبلغان خود را به شهرهای مختلف و حتی به قلب حکومت دشمن فرستاد و پیام خود را به گوش همگان رساند.

مطلب دوم بحثی درباره نقش زن در تاریخ است، هیچ کس منکر نقش زن در طول تاریخ نیست و لااقل نقش غیرمستقیم زن را همه قبول دارند بدین صورت که زن، مرد را می‌سازد و مرد تاریخ را و نقشی که زن در ساختن مرد دارد، بیشتر از نقشی است که مرد در ساختن تاریخ دارد. به طور کلی، زنان، از نظر نقش داشتن یا نداشتن در طول تاریخ، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. زنانی که مثل شیء گران‌بها، اما بدون نقش بودند مثل بسیاری که زن برای آنها یک شیء - نه شخص - گران‌بها بوده که باید در حریم خود محفوظ بماند و به دلیل همان گران‌بهای‌اش بر مرد اثر می‌گذاشت. می‌توان گفت: سازنده چنین جوامعی تنها جنس مذکر بوده است.

ب. در بعضی از جوامع، زن از حالت شیء بودن خارج شده، وارد اجتماع می‌شود اما حریم خود را گم می‌کند و چون در همه جا حضور می‌یابد، ارزش خود را از دست می‌دهد و بی‌ارزش می‌شود زن در این جوامع «شخص» است اما شخصی بی‌ارزش. از نظر رشد برخی استعدادهای انسانی - از قبیل علم، اراده، شخصیت اجتماعی، حضور در مشاغل مختلف و - به او شخصیت می‌دهند و از شیء بودن خارج می‌سازند ولی از طرف دیگر، ارزش او را برای مرد از بین می‌برند. از طبیعت زن این است که برای مرد گران‌بها باشد و اگر این را از او بگیرند، روحیه او متلاشی می‌شود. سازنده این جوامع گرچه مذکر - مؤنث است، اما زن، کالای ارزان است بدون اینکه در نظر هیچ مردی عزت و احترام لایق یک زن را داشته باشد

ج. از نظر اسلام، زن باید ارزشمند باشد یعنی، از طرفی شخصیت روحی و معنوی و کمالات انسانی، - مثل علم، هنر، اراده قوی، شجاعت، خلاقیت و حتی فضایل معنوی - را در سطح عالی داشته باشد و از طرف دیگر مبتذل نباشد. قرآن کریم نیز به زنان چنین ارزشی داده است مثلاً حوا را در کنار آدم مخاطب قرار داده، از هر دو می‌خواهد که به آن درخت نزدیک نشوند. (۲) ساره نیز مانند ابراهیم خلیل (ع) فرشته‌ها را می‌بیند و با آنان صحبت می‌کند. مریم (س) از خداوند رزق و روزی‌هایی می‌گیرد که زکریا در تعجب فرو می‌رود و فاطمه زهرا (س) کوثر (خیرکثیر) خوانده می‌شود.

در تاریخ اسلام، بهترین نمونه چنین زنی حضرت زهرا (س) است. او که خوشحال می‌شود تنها کارهای داخل منزل از سوی پیامبر (ص) به او واگذار شده، در مسجد، چنان خطبه‌ای می‌خواند که امثال بوعلی نیز قادر به چنین انشایی در مسائل توحیدی نمی‌باشند. اما در عین حال، آن حضرت خطبه خویش را از پشت پرده می‌خواند یعنی، در عین حفظ حریم خود با مردان، نشان می‌دهد که یک زن چقدر می‌تواند مؤثر در جامعه باشد.

با این دو مقدمه باید گفت: که تاریخ کربلا، یک تاریخ مذکر- مؤنث است یعنی، زن و مرد هر دو در آن نقش دارند ولی هر یک در مدار خودش و بدون خارج شدن از حریم خود.

نقش مردان در حادثه عاشورا روشن است اما نقش زنان به خصوص با حضرت زینب (س) از عصر عاشورا به بعد تجلی پیدا می‌کند و تمام کارها از این پس به او واگذار می‌شود. او در مقابل پیکر مطهر امام، کاری می‌کند که دوست و دشمن به گریه در می‌آیند و در واقع اولین مجلس عزاداری امام حسین (ع) را برپا می‌کند. از امام سجاد (ع) و دیگر زنان و کودکان، پرستاری می‌کند و در مقابل دروازه کوفه با خطبه خود، شجاعت علی (ع) و حیای فاطمه (س) را در هم می‌آمیزد و خطابه‌های عالی علوی را به یاد مردم می‌آورد و مردم کوفه را نسبت به کاری که انجام داده بودند، متنبه می‌سازد. این است زنی که اسلام می‌خواهد. شخصیت رشد یافته اجتماعی در عین حیا و عفت و رعایت حریم. (۳)

با توجه به آنچه گفته شد، همراهی خانواده امام حسین (ع) در نهضت عاشورا از چند جهت حائز اهمیت است

۱. زنان و کودکان توانایی تبلیغ و پیام‌رسانی را دارند.

۲. علاوه بر توانایی تبلیغ، دشمنان نیز از مقابله با آنان عاجزند زیرا باید حریم آنان را حفظ کنند و در صورت آسیب‌رسانی به زنان و کودکان، عواطف همگان جریحه‌دار می‌شود و نزد افکار عمومی در طول تاریخ محکوم خواهند شد. چنان که در واقعه کربلا دشمنان حتی نزد خانواده‌های خود، سرافکنده شدند.

دیگر آنکه از نگاه عرفانی، امام حسین (ع) تمام هستی خود و اطرافیان خود را بدون هرگونه کاستی، در طبق اخلاص گذاشت و به درگاه خداوند آورد. ثمره چنین اخلاصی آن شد که نهضت عاشورا در طول و عرض تاریخ، برای مسلمانان و غیر مسلمانان، تأثیرگذار باشد و در قیامت نیز به درجه‌ای برسند که همگان غبطه آن را بخورند. برای توضیح بیشتر در این باره، چند نکته قابل ذکر است:

### یک. پیام‌رسانی

تکلیف اجتماعی در آیین اسلام، ویژه مردان نیست بلکه زنان متعهد و مسلمان نیز در برابر جریان حق و باطل و مسأله ولایت و رهبری، وظیفه دارند و باید از رهبری حق، دفاع و پیروی کنند و از حکومت‌های فساد و مسؤولان نالایق، انتقاد نمایند و در صحنه‌های گوناگون اجتماعی، حضوری مؤثر داشته باشند.

در تداوم مسیری که حضرت زهرا (س) در حمایت از امام معصوم (ع) و افشاگری علیه روبه‌های ناسالم زمامداران داشت زنان به خصوص حضرت زینب (س) نیز در نهضت کربلا دوشادوش امام حسین (ع) مشارکت داشتند.

هر قیام و نهضتی، عمدتاً از دو بخش «خون» و «پیام» تشکیل می‌گردد. مقصود از بخش «خون»، مبارزات خونین و قیام مسلحانه است که مستلزم کشتن و کشته شدن و جانبازی در راه آرمان مقدس است. مقصود از بخش «پیام» نیز، رساندن و ابلاغ خواسته‌های انقلاب و بیان آرمان‌ها و اهداف آن است.

با بررسی قیام مقدس امام حسین (ع)، این دو بخش کاملاً در آن به چشم می‌خورد زیرا انقلاب امام حسین (ع) تا عصر عاشورا مظهر بخش اول، یعنی (بخش خون و شهادت)، بود و رهبری و پرچم‌داری نیز بر عهده خود ایشان قرار داشت. پس از آن، بخش دوم به

پرچمداری امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) آغاز گردید. آنان با سخنان آتشین خود، پیام انقلاب و شهادت سرخ حضرت سیدالشهدا و یارانش را به آگاهی افکار عمومی رسانیدند و طبل رسوایی حکومت پلید اموی را به صدا درآوردند.

با توجه به تبلیغات بسیار گسترده و دامنه‌داری که حکومت اموی از زمان معاویه، علیه اهل بیت (ع) - به ویژه در منطقه شام به راه انداخته بود - بی‌شک اگر بازماندگان امام حسین (ع) به افشاگری و بیدارسازی نمی‌پرداختند، دشمنان اسلام و مزدوران قدرت‌های وقت، نهضت بزرگ و جاویدان آن حضرت را در طول تاریخ، کم ارزش و چهره آن را وارونه نشان می‌دادند همچنان که برخی در تهمت‌ی درباره امام حسن (ع) گفتند: «بر اثر ذات‌الریه و سل از دنیا رفت».

اما تبلیغات گسترده بازماندگان حضرت سیدالشهدا (ع) در دوران اسارت - که کینه‌توزی سفیهانه یزید چنین فرصتی را برای آنان پیش آورده بود - اجازه چنین تحریف و جنایتی را به دشمنان نداد. ضرورت حضور و نقش بازماندگان عاشورا، با بررسی و مطالعه در حکومت امویان بر شام، بیش از پیش روشن می‌شود.

## دو. خنثی‌سازی تبلیغات بنی‌امیه

شام از آن روز که به تصرف مسلمانان درآمد، تحت سیطره فرمان‌روایانی چون خالد پسر ولید و معاویه پسر ابوسفیان قرار گرفت. مردم این سرزمین، نه سخن پیامبر (ص) را دریافته بودند و نه روش اصحاب او را می‌دانستند و نه اسلام را دست‌کم آن‌گونه که در مدینه رواج داشت، می‌شناختند البته ۱۱۳ تن از صحابه پیامبر اکرم (ص) یا در فتح این سرزمین شرکت داشتند، و یا به تدریج در آنجا سکونت گزیده بودند ولی بررسی زندگی‌نامه این افراد نیز روشن می‌کند که جز چند تن، بقیه آنان برای مدت کمی محضر پیامبر گرامی اسلام (ص) را درک کرده و جز یک یا چند حدیث، روایت نکرده بودند.

گذشته از آن، بیشتر این افراد در طول خلافت عمر و عثمان تا آغاز حکومت معاویه، وفات کردند و در زمان قیام امام حسین (ع) تنها یازده تن از آنان زنده بوده و در شام به سر می‌بردند.

اینان مردمانی در سنین هفتاد تا هشتاد سال بودند که گوشه‌نشینی را بر آمیختن با توده ترجیح داده و در عامه مردم نفوذی نداشتند. و در نتیجه نسل جوان آن روز، از اسلام حقیقی چیزی نمی‌دانستند و شاید در نظر آنان، اسلام هم حکومتی بود مانند حکومت کسانی که پیش از ورود اسلام بر آن سرزمین فرمان می‌راندند و تجمل‌دربار معاویه، حیف و میل اموال عمومی، ساختن کاخ‌های بزرگ و تبعید و زندانی کردن و کشتن مخالفان، برای آنان امری طبیعی بود زیرا چنین نظامی نیم قرن پیش از آن سابقه داشت و به یقین کسانی بودند که می‌پنداشتند آنچه در مدینه عصر پیامبر گذشته، نیز این چنین بوده است. (۴)

معاویه حدود ۴۲ سال در شام حکومت کرد و در این مدت نسبتاً طولانی، مردم شام را به گونه‌ای پرورش داد که فاقد بصیرت و آگاهی دینی باشند و در برابر اراده و خواست او، بی‌چون و چرا تسلیم شوند. (۵) معاویه در طی این مدت، نه تنها از نظر نظامی و سیاسی مردم شام را تحت سلطه خود قرار داد که از نظر فکری و مذهبی نیز مردم آن منطقه را کور و کر و گمراه بار آورد تا آنچه او به اسم تعلیمات اسلام به آنان عرضه می‌کند، بی‌هیچ اعتراضی بپذیرند.

حکومت پلید بنی‌امیه با تبلیغات زهرآگین و کینه‌توزانه، خاندان پاک پیامبر را در نظر مردم شام منفور جلوه داد و در مقابل، بنی‌امیه را خویشان رسول خدا و نزدیک‌ترین افراد به او معرفی کرده به طوری که پس از پیروزی قیام عباسیان و استقرار حکومت ابوالعباس سفاح، ده تن از امرای شام نزد وی رفتند و همه سوگند خوردند که ما تا زمان قتل مروان آخرین (خلیفه اموی)، نمی‌دانستیم که رسول خدا (ص) جز بنی‌امیه خویشاوندی داشت که از او ارث ببرند، تا آنکه شما امیر شدید. (۶)

بنابراین، جای شگفتی نیست اگر در مقاتل می‌خوانیم: به هنگام آمدن اسیران کربلا به دمشق، مردی در برابر امام زین‌العابدین (ع) ایستاد و گفت: سپاس خدایی را که شما را کشت و نابود ساخت و مردمان را از شرّتان آسوده کرد حضرت کمی صبر کرد تا شامی هر چه در دل داشت بیرون ریخت سپس با تلاوت آیاتی مانند:

«إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً» (۷) فرمود: این آیات در حق ما نازل شده است. پس از آن بود که مرد فهمید آنچه درباره این اسیران شنیده، درست نیست. آنان خارجی نیستند بلکه فرزندان پیامبر هستند و از آنچه گفته بود، پشیمان شد و توبه کرد. (۸)

بنابراین با حرکت منزل به منزل خاندان امام حسین (ع) و خطبه‌ها و روشنگری‌های امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س)، تحریفات چندین دهه بنی‌امیه - حتی در «شام» به عنوان مرکز خلافت دشمنان - خنثی شد.

### سه. افشای چهره ظالمان

بعد دیگر علت حضور خانواده امام حسین (ع)، نشان دادن چهره سفاک، بی‌رحم و غیرانسانی یزید و حکومت وی بود. یکی از عوامل مؤثر در پذیرش پیام از سوی مردم و رساتر بودن تبلیغات از سوی پیام‌آوران، عنصر مظلومیت است. از این رو برخی از جناح‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی هنگام تبلیغات برای نفوذ بیشتر در اذهان مردم و افکار عمومی، مظلوم‌نمایی می‌کنند چون انسان، فطرتاً از ظلم و ظالم بیزار و متنفر است، همچنان که مظلوم، محبوب و حداقل مورد عواطف و احساسات مثبت مردم است.

در حادثه کربلا، نه مظلوم‌نمایی بلکه حقیقت مظلومیت با فداکاری اهل بیت آمیخته شد و آنان پیام سالار شهیدان و اصحاب را با عالی‌ترین صورت به همه مردم ابلاغ کردند به گونه‌ای که امروز نیز صدای آنان، در وجدان بشریت به گوش می‌رسد.

خردسالان و زنان، که نه سلاح جنگی داشتند و نه توان رزم ولی با قساوت‌بارترین شکل ممکن مورد ضرب و شتم و هتک حرمت و آزرده‌گی عواطف و احساسات قرار گرفتند. طفل شش ماهه با لب‌های تشنه در کنار شط فرات جان داد دخترک خردسال کنار پیکر خونین و قطعه قطعه پدر کتک خورد خیمه‌های آنان به آتش کشیده

شد و این عوامل در ابلاغ پیام و افشای ماهیت حکومت یزید کمتر، از آن شهادت و جانبازی اصحاب نبود. همین «صدای العطش» طفلان امام حسین و قنداقه خونین علی اصغر (ع) است که آن شمشیرزده‌ها و خون‌های ریخته شده را زنده نگه داشته است.

امام سجاد (ع) در شام همین که خواست دستگاه بنی‌امیه را رسوا کند، فرمود: پدرم امام حسین (ع) را به نحو مثله و قطعه قطعه کردن، شهید کردند. همچون پرنده‌ای در قفس، پر و بال او را شکستند تا جان داد.

اینجا اگر امام سجاد (ع) می‌فرمود: «پدرم را شهید کردند»، در چشم مردم شام - که شناخت عمیقی نسبت به اهل بیت نداشتند - خیلی مهم نبود زیرا می‌گفتند: «در جنگ، افرادی کشته می‌شوند و یکی از آنان امام حسین بوده است».

امام سجاد (ع) فرمود: بر فرض قصد کشتن دارید اما چرا این گونه کشتید؟ چرا مثل پرنده بدنش را پاره پاره کردید؟ چرا کنار نهر آب، او را تشنه کشتید؟ چرا او را دفن نکردید؟ چرا به خیمه‌های او حمله کردید؟ چرا کودک او را شهید کردید؟ این کلمات به قدری در نزد افراد غیرقابل خدشه بود که شام را طوفانی کرد و یک جنبش فکری و فرهنگی، علیه رژیم اموی به راه انداخت.

نکته پایانی آنکه، یزید می‌خواست با کشتن مردان و به اسارت کشیدن خاندان اهل‌بیت، همه حرکت‌ها را در نطفه خفه کند به طوری که همگان از چنین سرنوشتی ترسان و بیمناک باشند و خود بر اریکه قدرت تکیه بزنند. اما قیام با عزت امام حسین (ع) و پیام‌رسانی افشاگرانه و مظلومانه خاندان او، هسته‌های ظلم‌ستیزی را برای خونخواهی امام حسین (ع) و از بین بردن بنی‌امیه در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی به وجود آورد.

(۱) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

(۲) درباره این فکر غلط مسیحیت که آدم) مرد (اصالت دارد و حوا) زن (تبعیت، و مبارزه قرآن با این تفکر، استاد مطهری مفصل بحث کرده است. ر. ک: حماسه حسینی، ج ۱، صص ۴۰۶-۴۰۴.

(۳) حماسه حسینی، ج ۱، صص ۳۹۷-۴۱۱ و ج ۲، صص ۲۳۶-۲۳۱.

(۴) شهیدی، سید جعفر، قیام امام حسین) ع (، ص ۱۸۵.

(۵) آبتی، محمد ابراهیم، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۴۷.

(۶) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۱۵۹.

(۷) احزاب (۳۳): آیه ۳۳» بی شک خداوند می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک سازد، پاک ساختنی.»

(۸) اخطب خوارزمی، مقتل الحسین) ع (، ج ۲، ص ۶۱ اللهوف، ص ۷۴.